
مسئله حضور دختران نوجوان در شبکه‌های اجتماعی مجازی با تأکید بر روابط والد - فرزندی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۳۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۴/۲۳

محمد تقی کرمی قهی

دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی - mt.karami@yahoo.com

فهیمة زارع (نویسنده مسئول)

پژوهشگر مقیم پژوهشکده زن و خانواده - fahim.zare63@gmail.com

چکیده

پژوهش پیش رو با هدف فهم مسئله حضور دختران نوجوان در شبکه‌های اجتماعی مجازی با تأکید بر روابط والد - فرزندی انجام شده است. این پژوهش یک پژوهش کیفی است و داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با سی نفر از دختران دبیرستانی شهر قم (از سه دبیرستان در سه منطقه گوناگون) در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ با توجه به نمونه گیری تیبیک و هدفمند انجام شده است. پس از کدگذاری مصاحبه‌ها، نتایج در دو مقوله کلی آسیب‌های خانوادگی و فردی گردآوری شد. نتایج بیانگر آن است که حضور دختران نوجوان در شبکه‌های اجتماعی مجازی روابط میان آنها و والدینشان را در دو مؤلفه اقتدار و صمیمیت دچار چالش‌های جدی کرده است. تعارض میان والدین و فرزندان، به چالش کشیدن اقتدار والدین، شکستن حرمت والدین، کاهش صمیمیت میان والدین و فرزندان و کاهش ارزش‌های خانوادگی از جمله آن چالش‌هاست. حضور دختران در شبکه‌های اجتماعی مجازی آسیب‌های فردی نیز در پی دارد که بستری برای به چالش کشاندن اقتدار والدین می‌شود و رابطه دختران نوجوان و والدینشان را با چالش‌هایی روبه‌رو می‌کند.

واژگان کلیدی:

دختران نوجوان، شبکه‌های اجتماعی مجازی، نسل شبکه، روابط والد - فرزندی، اقتدار، صمیمیت.

بیان مسأله

در عصر جدید با توجه به رشد سریع فناوری‌های جدید اطلاعات و ارتباطات و به دلیل قابلیت‌های ویژه آنها، استفاده از فناوری‌های نو به بخشی از زندگی روزمره افراد مبدل شده است که جنبه‌های گوناگون زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شبکه‌های اجتماعی مجازی به دلیل عرضه خدمات متنوع، امکانات گسترده ایجادشده و تسهیل ارتباطات در فضای مجازی، یکی از بانفوذترین فناوری‌های ارتباطی جدید به شمار می‌روند.

از جمله ویژگی‌های منحصربه‌فرد شبکه‌های اجتماعی مجازی، راه‌اندازی فضایی مناسب برای کنش متقابل افراد با یکدیگر، فارغ از مرزهای زمان و مکان و دریافت انبوهی از اطلاعات در کمترین زمان ممکن، با هزینه پایین است که توجه کاربران پرشماری را از سرتاسر جهان به خود جلب کرده است.

یکی از گروه‌های فعال در شبکه‌های اجتماعی مجازی نوجوانان هستند. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نوجوانان را با اندیشه‌ها و گرایش‌هایی آشنا می‌کند که برون‌ریزی احساسی و عقلانی بیشتری برایشان فراهم می‌آورد. آنان از طریق این رسانه می‌توانند دنیا را در بستر جهانی ببینند و وارد فضایی شوند که حتی افرادی که به گروه‌های محروم جامعه تعلق دارند نیز بتوانند در آن حضور یابند. وقتی منابع اطلاعاتی در دسترس کودکان و نوجوانان نسل شبکه قرار داشته باشد، جست‌وجوی اطلاعات و دسترسی به آن و بیان نظرهایشان را حق بنیادی خود خواهند دانست (سعدی‌پور، ۱۳۹۲، ص ۱۵۴).

دختران نوجوان در ایران به دلیل ویژگی‌های دوران نوجوانی و گشودگی در برابر تغییرات، یکی از گروه‌هایی‌اند که حضور فعالی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی دارند. این دختران نوجوان نسلی هستند که دوران جامعه‌پذیری آنها با حضور گسترده فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در زندگی روزمره افراد هم‌زمان شده است؛ نسلی که از سنین کودکی، دسترسی به این فضا را تجربه کرده، کنش‌ها و انتخاب‌های جدیدی برایش فراهم بوده و با استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، توانایی بازنندیشی درباره هویت خویش را یافته است. تجربه زندگی روزانه با فناوری‌های جدید، مناسبات و روابط آنها در خانواده را تحت تأثیر قرار داده و با وجود برخورداری از فرصت‌های فراوان، با چالش‌هایی روبه‌رو کرده است. به نظر می‌رسد استقبال چشمگیر دختران دهه هشتادی از شبکه‌های اجتماعی مجازی به دلیل محدودیت‌های ناشی از جنسیت و سن آنهاست که در

دنیای واقعی با آن روبه‌رو هستند.

باکینگهام (Buckingham) در پژوهشی به تحلیل ابعاد گوناگون رابطه نوجوانان و جوانان با فضای مجازی می‌پردازد. از نظر او قدرت فردی در حال شکل‌گیری ناشی از رسانه‌های دیجیتال در مناسبات اجتماعی نوجوانان در محیط خانواده و عرصه عمومی تأثیرگذار بوده است. در این میان اقتدار والدین در رویارویی با قدرت نوجوانان قرار گرفته و ساختار روابط قدرت در خانواده نیز تغییر کرده است. طبق پژوهش باکینگهام، این تغییرات برای دختران آشکارتر بوده است. در مجموع افزایش آزادی و قدرت انتخاب یکی از دستاوردهای رسانه‌های دیجیتالی برای نوجوانان است (صادقی فسایی و عرفان‌مش، ۱۳۹۵، ص ۷).

تعامل و ارتباط در فضای مجازی توسط دختران دهه هشتادی سبک رفتاری و شیوه زندگی خاصی را برای آنها رقم زده که ارتباط آنها با والدینشان در خانواده را دچار چالش‌هایی کرده است. فضای مجازی به دلیل ویژگی‌هایی همچون فضای آزاد و بدون محدودیت‌های رایج (زمان، مکان، هنجارها و...) و حضور در آن فارغ از هویت شخصی، دارای جذابیت ویژه‌ای برای دختران نوجوان است که با حضور در این شبکه‌ها، وقت کمتری را در میان جمع خانواده می‌گذرانند؛ همچنین با برقراری روابط احساسی و صمیمانه شکل گرفته در شبکه‌های اجتماعی، محتمل است تعلق و ارتباط عاطفی و تعامل و گفت‌وگوی میان دختران و والدین کمتر شود.

یکی دیگر از ویژگی‌های فضای مجازی که برخی جامعه‌شناسان به آن پرداخته‌اند، این است که مناسبات افراد با یکدیگر در این فضا بیشتر افقی است و سلسله‌مراتب اجتماعی کاهش می‌یابد و افرادی که در آن حضور دارند، بین خود سلسله‌مراتبی قائل نیستند. از سوی دیگر ارتباط میان والد - فرزند در خانواده با دو مؤلفه «اقتدار» و «صمیمت» شکل می‌گیرد؛ بدین معنا که برای جامعه‌پذیری و تربیت مناسب فرزندان، ارتباط میان آنها و والدین از سویی باید در یک فضای صمیمی و تبادل عاطفی شکل بگیرد و از سوی دیگر اقتدار والدین حفظ شود و از طرف فرزندان به رسمیت شناخته شود. با حضور مداوم دختران نوجوان در فضایی بدون سلسله‌مراتب و عادت کردن به این سبک از ارتباط و شکل‌گیری نوع جدیدی از کنش که مبتنی بر برابری است، هماهنگی و مطابقت با الگوی رفتاری خانواده که مبتنی بر سلسله‌مراتب است، برای آنها مسئله‌ساز می‌شود.

در مجموع فناوری‌های جدید ارتباطی تجربه‌ها، احساسات و نگرش‌های جدید برای دختران نوجوان رقم زده و مناسبات کنش والد - فرزندی آنها را نیز دستخوش تغییراتی کرده که مناسب است از دیدگاه خود آنها تحلیل و بررسی شود. بیشتر پژوهش‌های انجام شده در ایران که به بررسی تأثیرات فضای مجازی و فناوری‌های جدید ارتباطی بر نوجوانان پرداخته‌اند، با رویکردهای روان‌شناختی این موضوع را مطالعه کرده‌اند و در زمینه بررسی وجوه جامعه‌شناختی آن، پژوهش‌های کمتری صورت گرفته است. در پژوهش حاضر قصد داریم با بهره‌گیری از دیدگاه جامعه‌شناختی به بررسی مسئله حضور دختران نوجوان در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی با تأکید بر روابط والد - فرزندی پردازیم.

پیشینه پژوهش

سهیلا صادقی فسایی و ایمان عرفان‌منش (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «مسئله موازنه قدرت نوجوانان در خانه با توجه به ICTS: سنخ‌های جدید قدرت و تقویت کنشگری» با اذعان به افزایش روند خانگی شدن فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی (ICTS) به عنوان مسئله اجتماعی نوظهور در خانواده‌های ایرانی، به بررسی افزایش قدرت کنشگری و توانایی‌های بالقوه و نهفته فرزندان نوجوان به دنبال استفاده از این فناوری‌های جدید به عنوان یک منبع تقویت‌کننده قدرت می‌پردازند.

در پژوهشی با عنوان «واکاوی رابطه استفاده از اینترنت با نظام ارزش‌های جوانان و نوجوانان»، روحانی، هاشمی و انبارلو (۱۳۹۷) نشان می‌دهند افزایش استفاده از اینترنت در میان نوجوانان و جوانان، بسیاری از ارزش‌ها، هنجارها، عادت‌ها، منش، سبک‌های زندگی و ویژگی‌های افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر اساس یافته‌های این پژوهش که به روش کمی و از طریق پرسشنامه انجام شده است، بین استفاده از اینترنت و چهار دسته از نظام ارزش‌های نوجوانان و جوانان شامل ارزش‌های ملی، دینی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

نوابخش و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی آثار اینترنت و موبایل در تغییر هویت جوانان ۱۵-۲۹ سال استان مازندران» که به روش پیمایش انجام شده، به بررسی آثار اینترنت و موبایل در تغییر هویت جوانان استان مازندران می‌پردازند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد گرایش جوانان به استفاده از اینترنت، در تغییر هویت فردی و هویت گروهی، ارزش‌های خانوادگی، فرهنگی، دینی و اجتماعی آنان مؤثر است.

ابوالقاسمی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده می‌پردازند. روش این پژوهش توصیفی - پیمایشی است و نتایج ضریب همبستگی بیانگر وجود رابطه معنادار و معکوس میان متغیرهای وابستگی به اینترنت، وارد شدن به فضای صمیمیت، بحث و مناظره گروهی، ایجاد روابط احساسی در محیط تعاملی اینترنت و میزان استفاده از اینترنت، با ارزش‌های خانواده است. در واقع هرچه میزان این متغیرها بر اثر ورود کاربران به محیط تعاملی اینترنت افزایش یابد، از میزان ارزش‌های خانواده نزد آنان کاسته می‌شود.

محمدپور و آزادی‌نژاد (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر رسانه‌های الکترونیکی (اینترنت) در ایجاد شکاف بین فرزندان و والدین تهرانی»، به مطالعه و بررسی مسائل مربوط به اینترنت بر شکاف نسلی می‌پردازند. در این پژوهش، «محتوای رسانه»، «ارتباط مجازی»، «دوست‌یابی» و «برخوردار می‌مخاطب» که متأثر از اینترنت هستند، به عنوان شاخص‌های اثرگذار بر شکاف نسلی مطرح می‌شوند و مؤلفه‌هایی مانند «شکاف ارزشی»، «شکاف رفتاری»، «شکاف ارتباطی» و «شکاف نگرشی» ملاک سنجش شکاف نسلی تعیین می‌شوند. دو مقوله «محتوای اینترنت» و «برقراری ارتباط در فضای مجازی» تأثیرگذار بر ایجاد شکاف نسلی بین والدین و فرزندان خانواده‌های تهرانی هستند.

خلیلی آذر (۱۳۹۲) در مقاله «شناخت و ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی و اثرات آنها بر روابط بین فردی نوجوانان» اثرات شبکه‌های اجتماعی بر تنش‌های خانوادگی را بررسی می‌کند. حضور نوجوان در فضای مجازی به متنوع‌سازی ارتباطات اجتماعی آنان فراتر از مدرسه و همسایگان منجر می‌شود و در نتیجه سبب کاهش توانایی والدین در کنترل فعالیت‌های نوجوانان می‌شود. اثر بعدی به چالش کشیده شدن سلسله‌مراتب قدرت در خانواده است؛ به دلیل آنکه نوجوان به یک فرد متخصص در خانواده تبدیل می‌شود و بقیه اعضای خانواده در مسائل فنی به او تکیه خواهند داشت. نظارت والدین بر وب‌سایت‌ها و ارتباطات نوجوانان در فضای مجازی، خودمختاری نوجوانان را دچار چالش می‌کند و به ایجاد تنش میان فرزندان و والدین می‌انجامد.

باکینگهام (۲۰۰۸م) در کتاب *جوانان، هویت و رسانه‌های دیجیتال* که یکی مجموعه مقالات است، نتایج و پیامدهای رسانه‌های دیجیتال بر هویت‌های نوجوانان و جوانان را بررسی می‌کند. از نظر نویسندگان این مقاله‌ها، نسل جدید نسل دیجیتال‌اند که

شکل‌های تازه‌ای از ارتباطات در فضایی گسترده را تجربه می‌کنند. رسانه‌های دیجیتال آزادی فردی و قدرت انتخاب نوجوانان و جوانان را افزایش داده و ساختار قدرت در خانواده را با دستخوش تغییراتی کرده‌اند بنا بر پژوهش‌های انجام‌شده در این کتاب، دختران نوجوان آسان‌تر جذب فضای مجازی می‌شوند.

مسج (Mesch) (۲۰۰۶م) در مقاله‌ای با عنوان «روابط خانوادگی و اینترنت: کاوش در رویکرد مرزهای خانواده» استدلال می‌کند ورود فناوری‌های جدید مانند اینترنت به طور بالقوه کیفیت روابط خانوادگی و روابط والد - فرزندی را تغییر می‌دهد. بر اساس این پژوهش، استفاده از اینترنت رابطه منفی با اوقات خانوادگی و رابطه مثبت با کشمکش‌های خانوادگی دارد و به کاهش انسجام خانوادگی می‌انجامد.

اغلب پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه تأثیر حضور نوجوانان در فضای مجازی بر مناسبات و ارزش‌های خانوادگی را تأیید می‌کنند. تفاوت مقاله حاضر با پژوهش‌های پیشین در سه محور «روش»، «موضوع» و «نمونه‌های تحقیق» است. اغلب پژوهش‌های انجام‌گرفته به روش کمی و به صورت پیمایشی است؛ ولی این مقاله با رویکرد کیفی به بررسی و فهم مسئله می‌پردازد. به لحاظ موضوع نیز پژوهشی که به بررسی مناسبات والد - فرزندی تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی بپردازد، انجام نشده است. دختران نوجوان دهه هشتادی نمونه‌های این پژوهش هستند که در تحقیقات انجام‌گرفته، چنین نمونه‌ای یافت نشد و از نوآوری‌های این مقاله به شمار می‌آید.

۱. ملاحظات نظری

۱-۱. فناوری‌های جدید اطلاعات و ارتباطات

فناوری ارتباطات و اطلاعات از فناوری‌های جدید به شمار می‌آید که در وجوه گوناگون جامعه انسانی امروز تأثیرگذار است. کاستلز در کتاب *عصر اطلاعات* به بررسی ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه شبکه‌ای نوظهور می‌پردازد (ر.ک: کاستلز، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۸۲-۴۳۴). او بیان می‌کند در عصر جدید، یکپارچگی بالقوه متن، تصویر و صدا در یک سیستم که از چندین نقطه و در زمان دلخواه (زمان واقعی یا با تأخیر) و در شبکه‌ای جهانی و آزاد و در دسترس با یکدیگر تعامل دارند، ماهیت ارتباطات را دستخوش دگرگونی‌های بنیادین می‌کند. از آنجا که انتقال و جریان یافتن فرهنگ از طریق ارتباطات انجام می‌شود، خود فرهنگ‌ها، یعنی نظام‌های عقاید و رفتار ما که ساخته تاریخ‌اند، با

سیستم فناوریانه جدید دستخوش دگرگونی‌های بنیادین می‌شوند و این امر با گذشت زمان تشدید می‌شود. با ظهور اینترنت و توسعه شگفت‌انگیز آن هم‌زمان انواع جدید جوامع مجازی پیرامون شبکه‌های کامپیوتری ایجاد شد.

از نظر کاستلز، جهان‌شمولی زبان دیجیتال و منطق کاملاً شبکه‌ای سیستم ارتباطی زمینه‌های فناوریانه ارتباط افقی و جهانی را فراهم کرد. افزون بر این معماری این فناوری شبکه‌ای به گونه‌ای است که سانسور یا کنترل آن بسیار دشوار است. کاستلز تصریح می‌کند امروزه در سرتاسر جهان هزاران شبکه کوچک وجود دارد که کل ارتباطات انسانی - از سیاست و مذهب گرفته تا سکس و پژوهش - را پوشش می‌دهند. همزیستی مسالمت‌آمیز منافع و فرهنگ‌های گوناگون در شبکه، شکل شبکه جهانی (World Wide Web) را به خود گرفت که مجموعه انعطاف‌پذیری از شبکه‌های اینترنت است که نهادها، تجارت‌ها، انجمن‌ها و افراد سایت‌های ویژه خود را در آن ایجاد می‌کنند و بر مبنای آن، هر کس به این شبکه دسترسی داشته باشد، می‌تواند برای خود صفحه‌ای ایجاد کند که از ترکیب متغیری از تصویر و متن تشکیل شده است.

در نگاه کاستلز فرایند شکل‌گیری و انتشار اینترنت و شبکه‌های ارتباط کامپیوتری (امروزه موبایلی) وابسته به آن در ربع قرن گذشته ساختار رسانه جدید را در معماری شبکه، در فرهنگ کاربران شبکه و در الگوهای واقعی ارتباطات برای همیشه شکل داد. در مورد استفاده‌کنندگان این شبکه‌های ارتباطی، کاستلز اظهار می‌دارد این رسانه‌ها به ارتباط نامحدود گرایش دارند و احتمال اینکه زنان و دیگر گروه‌های فرودست جامعه بتوانند با حمایتی که توسط رسانه الکترونیکی ایجاد می‌شود، آزادانه‌تر نظرات خود را بیان کنند، بیشتر است. او فضای مجازی (جامعه مجازی) را شبکه الکترونیکی متقابل می‌داند که محدوده‌اش را خود تعریف می‌کند و پیرامون علاقه یا هدف مشترکی تشکیل می‌شود؛ اگرچه در برخی مواقع ایجاد ارتباط به‌خودی‌خود به هدف تبدیل می‌شود. به نظر کاستلز یکی از مهم‌ترین کاربردهای فناوری‌های جدید اطلاعاتی - ارتباطی، سرگرمی و تفریح است. او تصریح می‌کند با وجود اینکه بسیاری به توانایی بالقوه فناوری‌های جدید ارتباطی در پیشبرد آموزش، بهداشت و فرهنگ عقیده دارند، راهبرد غالب، توسعه سیستم تفریحات الکترونیکی غول‌آسا را هدف قرار داده است که از نظر تجاری، مطمئن‌ترین سرمایه‌گذاری به شمار می‌آید. کاستلز معتقد است شرکت‌های نرم‌افزاری دانش فنی تعاملی جدیدی را

ایجاد کردند که تصور غرق شدن در واقعیت مجازی محیط الکترونیکی را بر می‌انگیزد. از نظر کاستلز مهم‌ترین ویژگی سیستم‌های چندرسانه‌ای (همانند شبکه‌های اجتماعی موبایلی) آن است که جلوه‌های فرهنگی گوناگون را با تمام تنوعشان در قلمرو خود جای می‌دهند. ظهور سیستم چندرسانه‌ای به معنای پایان جدایی و حتی تمایز میان رسانه‌های شنیداری - دیداری و چاپی، فرهنگ عامیانه و فرهنگ فرهیختگان، سرگرمی و اطلاعات، آموزش یا اغواست. از نظر او همه‌جلوه‌های فرهنگی - از بدترین تا بهترین و از نخبه‌گراترین تا مردمی‌ترین - در این جهان دیجیتال گرد هم می‌آیند و یک محیط نمادین جدید پدید می‌آورند که دنیای مجازی را به واقعیت بدل می‌کنند.

جریس هنسون (J. Hanson) و اوما نارولا (U. Narula) برای فناوری‌های جدید اطلاعات و ارتباطات، مفهوم «فناوری اجتماعی» را به کار می‌برند و دلیل آن را این‌گونه بیان می‌کنند که به‌رغم فرصت‌ها و امکانات موجود در زمینه‌دستیابی به سخت‌افزار ارتباطی، کشورهای جهان سوم بیش از همه چیز از تأثیرات اجتماعی و روانی فناوری‌های جدید ارتباطی و تغییرات بالقوه اجتماعی که از کاربرد آنها پدید آمده، همراه با پیامدهای اجتماعی آن و تهدیداتی که فناوری به همراه دارد، نگران‌اند. به همین دلیل از این پدیده به عنوان فناوری‌های اجتماعی یاد می‌کنند.

هنسون و نارولا معتقدند جهان امروز با چالش‌های هم‌زمان فناوری ارتباطی و فرهنگی روبه‌روست. نخستین چالش به رسانه و فناوری‌های مرتبط با آن مربوط می‌شود و چالش دوم به راه‌ها و وسایل پذیرش فناوری در شیوه زندگی فردی و نظام اجتماعی یعنی چگونگی پیوند خوردن فناوری به شیوه‌های زندگی افراد و هویت ملی آنها مربوط می‌شود. فناوری اجتماعی به گونه‌ای عمل می‌کند که فعالیت مردم به تغییرات ناگزیر در نظام اجتماعی می‌انجامد. عرضه هر فناوری جدید تغییراتی را به دنبال دارد. شاید میزان و تأثیر دگرگونی برای دورانی طولانی و حتی برای نسل‌ها نامحسوس باقی بماند. در واقع نظریه فناوری ارتباطی، چگونگی تأثیر فناوری‌های جدید ارتباطی بر شیوه زندگی فردی از لحاظ کیفیت زندگی، روابط و فعالیت‌های خانوادگی، روابط اجتماعی، نقش طبقه‌بندی جنسیت، رشد آگاهی، بهره‌گیری از اوقات فراغت، ارزش‌های زندگی و کسب اطلاعات را بررسی می‌کند.

هنسون و نارولا تصریح می‌کنند برای برخورد و کنار آمدن با دگرگونی ارتباطی و

فناورانه، میزانی از صلاحیت و شایستگی اجتماعی نیز ضروری است. صلاحیت و شایستگی اجتماعی با روحیه مبارزه طلبی، بهره‌گیری از منابع فرهنگی (مجموعه داستان‌ها، نهادها و سنت‌های یک جامعه) جهت سازگاری با دگرگونی فناورانه و آمادگی برای به خطر انداختن این منابع فرهنگی مشخص می‌شود. هنسون و نارولا با اذعان به ارتباط نزدیک شایستگی اجتماعی و ابعاد فرهنگی فناوری، تأثیر سه‌گانه این دو بر یکدیگر را تصویر می‌کنند: الف) تأثیر فناوری ارتباطات به عنوان یک عامل مجزا بر ارزش‌های فرهنگی؛ ب) تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر محتوای رسانه‌های ارتباطی؛ ج) تأثیر محتوای رسانه‌ها بر ارزش‌های فرهنگی (ر.ک: هنسون و نارولا، ۱۳۸۱، ص ۲۰-۳۰).

۲-۱. نسل شبکه

نسل گروهی از افرادند که در یک زمان واحد به دنیا آمده‌اند و تجربه‌ها، منافع و دیدگاه‌های مشترکی دارند و از این تجربه‌ها و منافع مشترک آگاه‌اند. آنچه در مسئله نسل‌ها باید مورد توجه قرار گیرد، تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی این گروه‌های سنی است. گروه‌های سنی جمعیت شناختی هنگامی به عنوان نسل مورد توجه قرار می‌گیرند که ویژگی‌های فرهنگی و جمعیت‌شناختی متمایز و چشمگیری نسبت به گروه‌های سنی دیگر داشته باشند (کوثری، ۱۳۸۷، ص ۶۷).

کارل مانهایم (Karl Mannheim) معتقد است نوع نسل از طریق مجموعه‌ای از موقعیت‌های اجتماعی - تاریخی و رویدادهای اتفاق افتاده در زمان این نسل‌ها تعریف می‌شود. از نظر او سن عاملی تعیین‌کننده است؛ چراکه در زمان جوانی و نوجوانی افراد، برخی عوامل اجتماعی، تاریخی ویژه و خاص یا اتفاقی مهم می‌بایست بر این افراد تأثیر بگذارد تا تجربه زندگی آنها را در آینده شکل دهد و آنها را به اتفاقات این دوره ارتباط دهد (خواجه‌ئیان و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۳).

«نسل شبکه»، «نسل هزاره» و «بومیان دیجیتال» گروه بزرگی از نوجوانان را توصیف می‌کند که در عصر اینترنت رشد یافته‌اند و با غوطه‌ور شدن در این فناوری‌ها به آسانی از کامپیوتر استفاده می‌کنند، بازی‌های آنلاین انجام می‌دهند و با ابزارهای الکترونیکی به طور مداوم با دوستان خویش در ارتباط‌اند. اصطلاح نسل «بومیان دیجیتال» را پرنسکی (Prensky) برای نخستین بار مطرح کرد و از نسل جدیدی گفت که از آغاز تولدشان ابزارها و فناوری‌های جدید زندگی آنها را در بر گرفته است. به دلیل آنکه بومیان دیجیتال

از دوران کودکی تجربه حضور در فضای مجازی را دارند، تمایلات و کنش‌های متفاوتی نسبت به گذشتگان خویش دارند. ویژگی این نسل، خوش‌بینی، علاقه به انجام فعالیت گروهی و داشتن استعداد ویژه در عرصه فناوری‌های جدید است. نسل شبکه تبحری ویژه در تولید نمایش‌های چندرسانه‌ای دارند و نقش یک تولیدکننده فعال را ایفا می‌کنند، نه یک مصرف‌کننده صرف (see: Prensky, 2001).

جعفرزاده‌پور (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی میزان به‌کارگیری گروه‌های مختلف نسلی در ایران از رسانه‌های گوناگون در دوران هویت‌یابی خویش پرداخته و به این نتیجه رسیده است که رادیو و روزنامه، رسانه اکثر متولدان ۱۳۲۵ و پیش از آن است؛ روزنامه، رادیو و تلویزیون برای متولدان ۱۳۲۶-۱۳۳۹؛ رادیو، تلویزیون و ضبط‌صوت، متولدان ۱۳۴۰؛ تلویزیون، ویدئو و رایانه، متولدان ۱۳۵۴-۱۳۶۵؛ ویدئو، ماهواره، اینترنت، وبلاگ-ها، موبایل و بازی‌های رایانه‌ای برای متولدان ۱۳۶۶-۱۳۷۶ و شبکه‌های اجتماعی مجازی و موبایل‌های هوشمند رسانه بیشتر متولدان ۱۳۷۷-۱۳۸۵ است.

برخی از پژوهشگران معتقدند بومیان دیجیتال علاقه‌ای شدید به نفوذ اجتماعی دارند و در بیشتر موارد، شبکه‌های اجتماعی مجازی را برای حفظ ارتباط، تعامل اجتماعی و نظارت و کنترل اجتماعی به کار می‌گیرند و بقیه موارد استفاده همچون کسب اطلاعات، تفریح و سرگرمی در درجه دوم اهمیت برای آنان است (see: Park et al, 2009).

بومیان دیجیتال تمایل دارند در انواع گوناگون رسانه‌های اجتماعی عضو باشند و از این راه، گونه‌های متفاوت ارتباطات را ایجاد و حفظ کنند (کویین و همکاران، ۲۰۱۱م، ص ۲۷۰، به نقل از خواجه‌پیان و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۴).

نسل شبکه به دلیل استفاده فراوان از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای ساختن دنیای جدید خویش، از خلاقیت بسیار بالایی برخوردارند. سرعت بالای اینترنت این امکان را به بومیان دیجیتال می‌دهد تا فضای مجازی را به صورت امتداد روابط چهره‌به‌چهره خود ببینند و نیازهایشان را برای پردازش سریع و ارتباط در زمان واقعی درونی کنند (سعدی‌پور، ۱۳۸۲، ص ۱۶۵).

۳-۱. اقتدار (Authority)

اقتدار از جمله مفاهیم علوم اجتماعی است که حوزه‌های گوناگونی همچون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی به مطالعه، تحلیل و بررسی آن می‌پردازند. پیوند اقتدار بر مبنای

تصویرهایی از قدرت و ضعف قرار دارد و پیوندی بیانگر قدرت در تراز عاطفی است (سنت، ۱۳۷۸، ص ۲). ریچارد سنت (Richard Sennett) اقتدار را جست‌وجوی نیرویی مستحکم، تضمین‌شده و پایدار می‌داند. ماکس وبر (Max Weber) نخستین کسی است که در کتاب *اقتصاد و جامعه* در یک مطالعه سامانمند، مناسبات قدرت و گونه‌شناسی اقتدار را مطرح می‌کند. وبر در این اثر، در تعریف اقتدار، آن را قدرتی مشروع می‌داند که بر باور مبتنی است و از مردم اطاعت می‌طلبد (عابدی اردکانی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۵۴). وبر از سه نوع اقتدار «سنتی»، «کاریزماتیک» و «قانونی» بحث می‌کند. «اقتدار سنتی» اقتداری مبتنی بر اعتقاد به سنت‌های کهن است و مشروعیت قدرت کسانی که مبتنی بر سنت، مأمور اقتدارند (آرون، ۱۳۸۴، ص ۶۰۱)، با تکیه بر وراثت، خاندان، پدرسالاری یا سلطنت ایجاد می‌شود (تنهایی، ۱۳۸۹، ص ۳۰۳). وبر در تشریح «اقتدار کاریزماتیک» آن را ناشی از لطف و عطیه خارق‌العاده و شخصی می‌داند. سرانجام «اقتدار قانونی - عقلانی» که با اعتبار قوانین، صلاحیت کارکردی افراد و نهادها پدید می‌آید و مبتنی بر کنش عقلانی معطوف به هدف و خالی از هرگونه عنصر اقتدار شخصی یا سنتی است (بشیری، ۱۳۹۰، ص ۶۱).

وبر اقتدار را صرفاً به صورت ساختاری از فرمان که افراد را به اطاعت و می‌دارد، تعریف نمی‌کند؛ بلکه درعین حال آن را اطاعتی می‌داند که مشتاقانه انجام می‌شود. وبر کاملاً شفاف می‌کند که ویژگی اساسی اقتدار تعهد مثبت زیردستان به مرجع اقتداری است که مطیع آن هستند. یکی از مهم‌ترین شکل‌های اقتدار سنتی، «اقتدار پدرسالارانه» و شاخه‌های فرعی آن است. اقتدار پدرسالار مشروعیت قدرت و اقتدار خویش را از ارزش پذیرفته‌شده می‌گیرد که در سنت ریشه دارد (ر. ک: فولادیان و جلایی‌پور، ۱۳۹۵، ص ۵۵-۶۱). در جامعه پاتریمونیالیسم، اقتدار با مردان است و ریشه اقتدار آنان نیز در نقشی است که پدر در چنین جامعه‌ای ایفا می‌کند. پدران در این جامعه، حامیان، داوران سختگیر یا نیرومندان جامعه‌اند (سنت، ۱۳۷۸، ص ۸۰).

رالف دارندورف (Ralf Dahrendorf) جامعه‌شناس آلمانی نیز از جمله نظریه‌پردازانی است که به بررسی و تحلیل بحث اقتدار می‌پردازد. از نظر او سمت‌های گوناگون اجتماعی از مقادیر گوناگونی از اقتدار برخوردارند. دارندورف معتقد است اقتدار نه در افراد، بلکه در سمت‌ها نهفته است. در تحلیل دارندورف، اقتدار وابسته به سمت‌های اجتماعی، عنصر اساسی به شمار می‌آید. اقتدار همیشه مستلزم فرمان‌بری است. از آنهایی که سمت‌های

با اقتدار دارند، انتظار می‌رود زیردستان خود را تحت نظارت داشته باشند؛ یعنی آنها به خاطر نقش‌های اطرافیان - و نه به خاطر ویژگی‌های روان‌شناختی‌شان - بر دیگران چیرگی دارند. این نقش‌ها نیز مانند اقتدار، نه به آدم‌ها بلکه به سمت‌ها تعلق دارند. اقتدار یک پدیده اجتماعی تعمیم‌یافته نیست؛ آنهایی که تحت نظارت قرار می‌گیرند و نیز پهنه‌های مجاز نظارت در جامعه مشخص شده‌اند. سرانجام اینکه چون اقتدار مشروع است، پس باید برای کسانی که به این اقتدار تن در نمی‌دهند، مجازات‌هایی تعیین کرد (ریترز، ۱۳۸۶، ص ۱۶۱).

در نگاه دارندورف یکی از کارکردهای اقتدار، انسجام و یکپارچه کردن یک واحد است؛ بنابراین در تمام جوامع انسانی اقتدار وجود دارد و نمی‌توان یک سازمان اجتماعی بدون اقتدار را تصور کرد. به نظر می‌رسد واحد اجتماعی - از یک گروه کوچک یا سازمان رسمی یا کل یک جامعه - می‌تواند یک انجمن آمرانه تنظیم شده باشد. در نظر دارندورف، قدرت بر رابطه اجباری عده‌ای بر دیگران دلالت دارد؛ این روابط قدرت در انجمن‌های آمرانه به مشروعیت تمایل دارد؛ بنابراین می‌توانند به عنوان روابط اقتداری به طور هنجاری بر دیگران تسلط داشته باشند. از نگاه دارندورف، اقتدار مهم‌ترین مزیت اجتماعی است و شکاف اصلی هر جامعه و کشمکش انواع گروه‌های ذی‌نفع و شبه‌گروه‌ها برای به‌دست آوردن اقتدار بیشتر یا کاهش اقتدار گروه‌های رقیب است و مفهومی اجتماعی است که در سلسله‌مراتب جامعه معنا می‌یابد (ر.ک: البرزی، ۱۳۹۵، ص ۸۵-۹۲).

۴-۱. صمیمیت (Intimacy)

نیاز به صمیمیت که یک نیاز پیشرفته جهانی و بیولوژیک در تمامی انسان‌هاست، به نزدیکی، تشابه و یک رابطه عاشقانه یا هیجانی با شخص دیگر اشاره دارد و مستلزم شناخت و درک عمیق از فرد دیگر به منظور بیان افکار و احساساتی است که به عنوان خاستگاه تشابه و نزدیکی به کار می‌رود. صمیمیت به صورت الگوی رفتاری بسیار مهمی مفهوم‌سازی شده و دارای جنبه‌های عاطفی - هیجانی و اجتماعی نیرومندی است که بر پایه تجربه مثبت همسویی و برابری، رضایت خاطر، تجربه مثبت مشارکت و عشق شکل می‌گیرد (نظری و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۱۰).

پترسون صمیمیت را چگونگی ارتباط و تعامل میان افراد می‌داند که طرفین حاضر در رابطه، کنش‌های متقابلی برای نگهداری رابطه‌ای نزدیک و آسان انجام می‌دهند

(Patterson, 1984, p.107). جکی گب در کتاب خویش به بررسی صمیمیت در خانواده‌ها می‌پردازد و بیان می‌کند تعریف و مطالعه صمیمیت نخستین بار در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی در علوم اجتماعی ظهور کرد (Gabb, 2008, p.66). پائولین جانسون (Pauline Johnson) معتقد است دلیل افزایش علاقه جامعه‌شناسان به موضوع صمیمیت شاید ناشی از ایمانشان به این نکته است که زندگی خصوصی منبع ارزش‌ها و معانی خاص است (لطفی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۱۶).

یکی از مهم‌ترین جامعه‌شناسان که به بررسی و تحلیل «صمیمت» می‌پردازد، آنتونی گیدنز است. او یکی از مهم‌ترین پیامدهای تحولات گسترده در الگوی کنش متقابل افراد در جامعه مدرن را معرفی‌کننده به مثابه واحدی جغرافیایی برای تمرکز کنش متقابل صمیمانه و گرم می‌داند (see: Giddenz, 1992). گیدنز در بحث از دگرگونی صمیمت در خانواده بر نقش مهم فردگرایی در کیفیت روابط افراد با یکدیگر تأکید می‌کند. و معتقد است در جوامع مدرن امروزی شاهد تحولات بنیادینی در ماهیت روابط نزدیک خانوادگی هستیم و درک ما از این نوع روابط نیز کاملاً عوض شده است. در دنیای مدرن، روابط میان افراد با توافق و رضایت طرفین شکل می‌گیرد و هیچ باور یا فرهنگ خاصی قدرت لازم برای تأثیرگذاری بر آن را ندارد. رابطه‌ای که به قول گیدنز می‌توان آن را «رابطه ناب» (Pure Relation) نامید، از تمامی قید و بندهای سنتی و الزامات بیرونی رها شده و تنها بر اساس خواسته‌ها و امیال افراد شکل می‌گیرد (مک کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰، ص ۴۴۶).

به باور گیدنز، مکان و پیوندهای خویشاوندی که در شرایط مدرنیته تحلیل رفته‌اند، دیگر نمی‌توانند به میزان گذشته زمینه اعتماد و روابط صمیمانه را فراهم کنند. گیدنز ضمن تأکید بر تغییرات ویژگی‌های دوستی در شرایط مدرن تصریح می‌کند در محیط‌های پیشامدرن، اعتماد بنیادی در روابط اعتمادآمیز شخصی در اجتماع، پیوندهای خانوادگی و دوستی‌ها جای دارد. گرچه هر یک از این پیوندهای اجتماعی می‌تواند در برگیرنده صمیمیت عاطفی باشد، این صمیمیت شرط بقای اعتماد شخصی نیست. پیوندهای شخصی نهادمند و اصول غیررسمی صداقت و شرافت چارچوب‌های اعتماد را فراهم می‌کنند؛ در حالی که در مدرنیته، وضع اعتماد از وابستگی به مکان و روابط خویشاوندی رها و منوط به صمیمیت می‌شود و اعتماد در یک سطح شخصی، به طریحی تبدیل می‌شود که طرفین باید روی آن کار کنند و مستلزم باز بودن فرد به روی دیگران است (لیبی، ۱۳۹۳، ص ۴۸۶).

گیدنز معتقد است در روابط صمیمیت از نوع مدرن، اعتماد همیشه دوپهلوست و امکان جدایی همیشه کم‌وبیش حضور دارد. پیوندهای شخصی را می‌توان پاره کرد و روابط صمیمت را می‌توان به قلمرو تماس‌های غیرشخصی بازگرداند. از نگاه او راه‌حل، اعتماد شخصی است؛ ولی اعتماد شخصی به سطحی از خودشناسی و بیان حال نیاز دارد که خودش باید یکی از سرچشمه‌های تنش روانی باشد؛ زیرا مکاشفه نفس متقابل به همیاری و پشتیبانی نیاز دارد؛ درحالی‌که این دو غالباً با هم ناسازگارند. زجر و ناکامی با نیاز به اعتماد به دیگری به عنوان فراهم‌آورنده دلسوزی و پشتیبانی، در هم بافته شده‌اند (گیدنز، ۱۳۸۰، ص ۱۷۱). گیدنز بیان می‌کند: یکی از ویژگی‌های نظام‌های اجتماعی مدرن این است که در آنها ارتباط‌های دوستانه و خصوصی با افرادی برقرار می‌شود که می‌توان آنها را از میان امکانات گوناگون انتخاب کرد (همو، ۱۳۸۲، ص ۱۲۸). گیدنز معتقد است در این عصر مدرن اخیر، رابطه چیزی فعال است؛ یعنی باید روی آن کار کرد و اگر قرار است یک رابطه با گذشت زمان دوام بیاورد، باید اعتماد طرف مقابل جلب شود. از نظر او ارتباط و دادوستد عاطفی نه تنها در روابط عشق جنسی، بلکه در دوستی‌ها و کنش‌های متقابل والدین و فرزندان نیز اولویت یافته است (همو، ۱۳۸۷، ص ۲۵۰).

۲. ملاحظات روشی

هیو مک کی (H. mac Kay) و پال رینولدز (p. Reynolds) چهار دیدگاه و سنت پژوهشی مشتمل بر اثباتی، تفسیری، انتقادی و فرهنگی (متأثر از رویکرد چرخش زبانی و مطالعات فرهنگی معاصر) را برای پژوهش دربارهٔ جامعهٔ اطلاعاتی برشمرده‌اند (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۵، ص ۱۴). سنت پژوهش تفسیری مبتنی بر پارادایم برساختی - تفسیری است که از نظر فلسفی در نظریه‌های کانت، دیلتای و هوسرل ریشه دارد و از نظر جامعه‌شناختی مبتنی بر اندیشه‌های شوترز، وبر، مید، برگر و لاکمن و نظریه‌پردازان رویکردهای پدیدارشناسی، روش‌شناسی مردمی و سایر دیدگاه‌های خردنگر اجتماعی است. پارادایم تفسیری در خلال چند دههٔ اخیر به‌ویژه از دههٔ ۱۹۷۰ میلادی اهمیت چشمگیری یافته و توانسته با به‌کارگیری روش‌شناسی کیفی، سهم عمده‌ای در تولید معرفت معاصر داشته باشد (محمدپور، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۸).

پژوهش پیش‌رو با رویکرد اکتشافی و روش‌شناسی کیفی انجام گرفته و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شده است. به دلیل آنکه پژوهش کیفی به مطالعهٔ

پیچیدگی‌ها، معانی و ابعاد گسترده زندگی اجتماعی می‌پردازد، روش‌های متعدد و متفاوتی نیز برای تحلیل داده‌های کیفی پیشنهاد شده است. روش تحلیل داده‌های این پژوهش، تحلیل موضوعی یا تماتیک است. تحلیل موضوعی ضمن آنکه خود یک روش مستقل تحلیلی است، می‌تواند در روش‌های تحلیلی دیگر نیز به کار رود. تحلیل تماتیک عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد. تحلیل تماتیک در واقع عمل کدگذاری و تحلیل داده‌هاست، با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند. این نوع تحلیل در وهله نخست به دنبال الگویابی در داده‌هاست. زمانی که الگویی از داده‌ها به دست آمد، باید حمایت تمی یا موضوعی از آن صورت گیرد. به عبارتی تم‌ها از داده‌ها نشئت می‌گیرند (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۶۰-۶۷).

منظور از کدگذاری عملیاتی است که طی آن داده‌ها تجزیه، مفهوم‌سازی و به شکل تازه‌ای در کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند. در فرایند تفسیر سه مرحله به نام «کدگذاری باز»، «کدگذاری محوری» و «کدگذاری گزینشی» وجود دارد. در کدگذاری باز، داده‌ها و پدیده‌ها را در قالب مفاهیم در می‌آوریم. بدین منظور ابتدا داده‌ها از هم مجزا می‌شوند، عبارت‌ها (کلمات منفرد یا مجموعه‌ای کوچک از چند کلمه) بر اساس واحدهای معنایی دسته‌بندی می‌شوند تا تعلیقات و مفاهیم (کدها) به آن ضمیمه شوند. مرحله بعد «کدگذاری محوری» است که پالایش و تفکیک مقوله‌های به دست آمده از کدگذاری باز است. از میان انبوه مقوله‌های پدیدآمده در مرحله کدگذاری باز، آنهایی که به نظر می‌آید بیش از مقوله‌های دیگر در مراحل بعدی به کار می‌آیند، انتخاب می‌شوند. در نهایت کدگذاری گزینشی، کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد. در این مرحله و پیوند هر دسته‌بندی با گروه‌های دیگر تشریح می‌شود (ر.ک: فلیک، ۱۳۹۱، ص ۳۲۹-۳۳۷).

در ابتدای پژوهش، مصاحبه‌ها چندین بار به صورت خط به خط مطالعه و کدگذاری شد. در ادامه کدهای به دست آمده، دسته‌بندی شد و مقوله‌ها استخراج گردید. کنشگران درگیر با موضوع، دختران نوجوان متولد نیمه نخست دهه ۸۰ (سیزده تا هفده ساله) هستند که در مقاطع تحصیلی متوسطه اول (پایه هشتم و نهم) و متوسطه دوم (پایه دهم تا دوازدهم) در دبیرستان‌های شهر قم مشغول به تحصیل‌اند. برای انجام مصاحبه‌ها با در نظر گرفتن سطح کیفیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مناطق قم، سه دبیرستان از سه منطقه مختلف شهر قم انتخاب شد تا تنوع

نمونه‌ها لحاظ شود. روش نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع نظری برای کفایت در جمع‌آوری داده‌ها در نظر گرفته شد. در مجموع با سی نفر از دختران دهه هشتادی مصاحبه نیمه‌ساختارمند صورت گرفت.

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

کد	سال تولد	چندمین فرزند	شغل پدر	تحصیلات پدر	شغل مادر	تحصیلات مادر	رشته
۱	۱۳۸۴	اول (۳ فرزند)	کارمند	کارشناسی	استاد	کارشناسی ارشد	هشتم
۲	۱۳۸۰	دوم (۳ فرزند)	آزاد	سیکل	خانه‌دار	سیکل	تجربی
۳	۱۳۸۰	سوم (۶ فرزند)	آزاد	دیپلم	خانه‌دار	دیپلم	انسانی
۴	۱۳۸۲	تک‌فرزند	کارشناس	کارشناسی	دبیر فیزیک	کارشناسی ارشد	تجربی
۵	۱۳۸۲	تک‌فرزند	مهندس	کارشناسی	پزشک	تخصص	نهم
۶	۱۳۸۲	اول (۳ فرزند)	آزاد	سیکل	خانه‌دار	دیپلم	نهم
۷	۱۳۸۰	پنجم (۵ فرزند)	آزاد	دیپلم	خانه‌دار	سیکل	تجربی
۸	۱۳۸۳	اول (۳ فرزند)	پرستار	کارشناسی	پرستار	کارشناسی	نهم
۹	۱۳۸۰	سوم (۳ فرزند)	بازاری	دیپلم	خانه‌دار	دیپلم	تجربی
۱۰	۱۳۸۱	تک‌فرزند	کارمند بیمه	کاردانی	خانه‌دار	کارشناسی ارشد	ریاضی
۱۱	۱۳۸۰	اول (۲ فرزند)	آزاد	دیپلم	خانه‌دار	دیپلم	انسانی
۱۲	۱۳۸۱	دوم (۲ فرزند)	استاد و	سطح ۴ حوزه	خانه‌دار	دیپلم	ریاضی
۱۳	۱۳۸۲	سوم (۳ فرزند)	آزاد	کارشناسی	خانه‌دار	سطح ۲ حوزه	انسانی
۱۴	۱۳۸۲	تک‌فرزند	فرهنگی	کارشناسی	فرهنگ	کارشناسی	نهم
۱۵	۱۳۸۱	اول (۲ فرزند)	فرزند طلاق	---	آرایشگر	دیپلم	تجربی
۱۶	۱۳۸۱	دوم (۲ فرزند)	فرهنگی	کارشناسی	فرهنگی	کاردانی	تجربی
۱۷	۱۳۸۱	اول (۲ فرزند)	وکیل	کارشناسی ارشد	کارشناسی ارشد	کارشناسی	تجربی
۱۸	۱۳۸۱	دوم (۲ فرزند)	آزاد	دیپلم	خانه‌دار	دیپلم	تجربی
۱۹	۱۳۸۱	سوم (۳ فرزند)	نظامی	کاردانی	خانه‌دار	دیپلم	تجربی
۲۰	۱۳۸۱	چهارم (۴ فرزند)	فرزند شهید	---	خانه‌دار	سیکل	تجربی
۲۱	۱۳۸۲	دوم (۲ فرزند)	مهندس	کارشناسی ارشد	فرهنگی	کارشناسی	نهم
۲۲	۱۳۸۱	تک‌فرزند	مهندس	کارشناسی	فیلم‌ساز	کارشناسی ارشد	تجربی
۲۳	۱۳۸۰	دوم (۳ فرزند)	فرهنگی	کارشناسی ارشد	فرهنگی	کاردانی	نهم
۲۴	۱۳۸۲	اول (۲ فرزند)	آزاد	دیپلم	مزون	دیپلم	نهم
۲۵	۱۳۸۲	تک‌فرزند	دبیر	کارشناسی	خانه‌دار	دیپلم	نهم
۲۶	۱۳۸۳	دوم (۲ فرزند)	وکیل	کارشناسی ارشد	خانه‌دار	کاردانی	نهم
۲۷	۱۳۸۱	دوم (۲ فرزند)	آزاد	دیپلم	خانه‌دار	دیپلم	تجربی
۲۸	۱۳۸۲	سوم (۴ فرزند)	استاد	دکتری	مدرس	سطح ۳ حوزه	تجربی
۲۹	۱۳۸۱	اول (۲ فرزند)	آزاد	دیپلم	خانه‌دار	کارشناسی	تجربی
۳۰	۱۳۸۲	دوم (۲ فرزند)	آزاد	دیپلم	خانه‌دار	کارشناسی	نهم

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. میزان استفاده روزانه، مدت‌زمان آشنایی و نوع شبکه‌های اجتماعی نظریه مرزهای خانواده یا همان نظریه اکولوژی انسانی از جمله نظریه‌هایی است که به ارتباط خانواده و فناوری‌های جدید ارتباطی می‌پردازد. این نظریه بیش از هر چیز بر کمیت ارتباطات و نحوه نفوذ اینترنت و فناوری‌های جدید ارتباطی بر خانواده اشاره دارد. این نظریه می‌کوشد بر زمان‌بر بودن استفاده از فناوری‌های جدید ارتباطی اشاره کند و با توجه به اینکه زمان اختصاص یافته به یک فعالیت را نمی‌توان به فعالیت دیگر اختصاص داد، پس افراد وقت کمتری را به خانواده اختصاص می‌دهند و کمتر به فعالیت‌های انسجام‌بخش با خانواده می‌پردازند. این نظریه فناوری‌های جدید را عاملی بیرونی می‌داند که با نفوذ در مرزهای خانواده، آن را دچار آسیب‌های جدی کرده و تغییر داده است (عباسی شوازی و عباسی آتشگاه، ۱۳۹۷، ص ۴۲).

جدول ۲. مدت‌زمان عضویت، میزان استفاده روزانه و نوع شبکه‌های اجتماعی

کد	مدت‌زمان عضویت در شبکه‌های اجتماعی	میزان استفاده روزانه	نوع شبکه‌های اجتماعی
۱	۵ سال	۵ ساعت	تلگرام، اینستاگرام، واتس‌آپ
۲	۴ سال	۲ ساعت	تلگرام
۳	۳ سال	۳ ساعت	تلگرام، اینستاگرام، فیس‌بوک
۴	۶ سال	۵ ساعت	اینستاگرام، تلگرام، توئیتر
۵	۴ سال	۲ ساعت	اینستاگرام، تلگرام
۶	۵ سال	۶ ساعت	اینستاگرام، تلگرام، فیس‌بوک
۷	۶ سال	۳ ساعت	تلگرام، واتس‌آپ، توئیتر
۸	۱ سال	۲ ساعت	اینستاگرام، تلگرام
۹	۵ سال	۴ ساعت	تلگرام، اینستاگرام، واتس‌آپ
۱۰	۱ سال	۲ ساعت	اینستاگرام، تلگرام
۱۱	۱ سال	۲ ساعت	تلگرام، اینستاگرام
۱۲	۴ سال	۴ ساعت	اینستاگرام، تلگرام، فیس‌بوک
۱۳	۲ سال	۲ ساعت	تلگرام
۱۴	۴ سال	۴ ساعت	تلگرام، اینستاگرام، واتس‌آپ
۱۵	۴ سال	۳ ساعت	تلگرام، اینستاگرام
۱۶	۳ سال	۳ ساعت	اینستاگرام، تلگرام
۱۷	۴ سال	۴ ساعت	اینستاگرام، تلگرام

۱۸	۴ سال	۳ ساعت	اینستاگرام، تلگرام، توئیتر
۱۹	۵ سال	۵ ساعت	اینستاگرام، تلگرام، واتس آپ
۲۰	۶ سال	۶ ساعت	اینستاگرام، تلگرام، واتس آپ
۲۱	۴ سال	۲ ساعت	اینستاگرام، تلگرام، واتس آپ، یوتیوب
۲۲	۳ سال	۲ ساعت	اینستاگرام، تلگرام
۲۳	۳ سال	۲ ساعت	اینستاگرام، تلگرام، واتس آپ، یوتیوب
۲۴	۳ سال	۷ ساعت	اینستاگرام
۲۵	۴ سال	۵ ساعت	اینستاگرام
۲۶	۳ سال	۵ ساعت	اینستاگرام، تلگرام
۲۷	۵ سال	۴ ساعت	اینستاگرام، تلگرام، واتس آپ، یوتیوب
۲۸	۴ سال	۲ ساعت	اینستاگرام، تلگرام، واتس آپ
۲۹	۶ سال	۴ ساعت	اینستاگرام، تلگرام، واتس آپ
۳۰	۴ سال	۱ ساعت	تلگرام، واتس آپ، شبکه‌های داخلی

در خصوص میزان استفاده روزانه دختران نوجوان از شبکه‌های اجتماعی، این نکته گفتنی است که آنچه در جدول بالا آمده، برای ایام تحصیلی است و بیشتر مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند مصرف روزانه فضای مجازی آنها در فصل تابستان بیش از آن چیزی است که در بالا ذکر شده است. کد ۱ در مورد میزان استفاده در تابستان می‌گوید: «تو تابستان خیلی زیاده، توی ۲۴ ساعت شاید ۲-۳ ساعت پیش گوشی نباشم؛ روزی ۱۸ ساعت مثلاً؛ اصلاً نمی‌تونم بذارم کنار». کد ۴ در مورد تفاوت میزان مصرف در ایام درسی و تابستان می‌گوید: «تو وقت مدرسه ۴-۵ ساعت؛ ولی تابستون به ۸-۹ ساعت هم شاید برسه».

تلگرام در سال‌های اخیر محبوب‌ترین پیام‌رسان در میان کاربران ایرانی به شمار می‌رود. بر اساس آمار سایت ایلنا، هنگامی که در یازدهم اردیبهشت ۱۳۹۷، تلگرام مسدود شد، چهل میلیون کاربر فعال ایرانی داشت و ۷۵۰ هزار کانال به زبان فارسی در این پیام‌رسان فعالیت می‌کردند (ایلنا، ۱۳۹۸/۳/۱). اگرچه تلگرام از سال ۲۰۱۳ میلادی فعالیت خویش را آغاز کرده و قدمت چندانی ندارد؛ اما به سرعت به رسانه اجتماعی برتر در ایران تبدیل شد. لذت مورد انتظار، تأثیر اجتماعی، سودمندی مورد انتظار و سهولت مورد انتظار در مورد تلگرام بیشتر از برنامه‌های دیگر پیام‌رسان فوری موبایل است و این متغیرها همه‌جایی شدن

تلگرام در ایران را تبیین می‌کند (کرمانی و مظفری، ۱۳۹۷، ص ۷). بر اساس یافته‌های این پژوهش نیز تلگرام انتخاب ۲۸ نفر از دختران نوجوان است و تنها ۲ نفر از مصاحبه‌شوندگان از آن استفاده نمی‌کنند. نکته درخور توجه آنکه با وجود فیلترینگ تلگرام، این تعداد از دختران نوجوان کاربر این پیام‌رسان هستند و به نظر می‌رسد سیاست فیلترینگ در عمل موفقیت چندانی نداشته است؛ ضمن آنکه یک هزینه اضافه بر دوش خانواده‌های ایرانی برای نصب فیلترشکن بار کرده است.

بر اساس نتایج یک نظرسنجی ملی که توسط مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) در اسفند سال ۱۳۹۷ انجام شده، ۵۵/۹ درصد مردم ایران همچنان از تلگرام استفاده می‌کنند (حدود ۴۰ میلیون نفر که با پیش از فیلترینگ تفاوت چندانی نکرده) که با داده‌های این پژوهش نیز همخوانی دارد. کد ۲۷ در مورد فیلتر تلگرام می‌گوید: «فیلترینگ کار خیلی مزخرفیه؛ چون الان بیشتر مردم دارند». دختران نوجوان معتقدند دستورالعمل‌های از بالا به پایین در مباحث فرهنگی کارایی ندارد؛ برای نمونه کد ۳ در مورد سیاست فیلترینگ این گونه اظهار نظر می‌کند: «فیلتر نکن دیگه، اعصاب آدم به هم می‌ریزه. ما که در هر صورت می‌ریم توی فضای مجازی، با هر VPN آخرش این رو به دست می‌آریم. دیگه لازم نیست سرور رو ضعیف کنند. می‌دونید هیچ چی رو با زور نمی‌شه جلوش رو گرفت؛ منع بکنی، بدتر حریص می‌شن که برن دنبالش. این فیلتر کردن هم یه چیز بی‌نمکیه».

در میان پلتفرم‌های گوناگون رسانه‌های اجتماعی، اینستاگرام موفقیت چشمگیری به دست آورده و توانسته دنبال‌کنندگان (Followers) بسیاری را جذب خود کند و پس از تلگرام، محبوب‌ترین شبکه اجتماعی در ایران به شمار می‌آید. در پژوهش پیش‌رو نیز در میان شبکه‌های اجتماعی گوناگون، اینستاگرام انتخاب دوم دختران نوجوان پس از تلگرام است (تلگرام با فراوانی ۲۸ نفر، اینستاگرام با فراوانی ۲۶ نفر). اینستاگرام در کنار تلگرام، بخش مهمی از زندگی دختران نوجوان در فضای مجازی را تشکیل می‌دهد. نوجوانان دهه هشتادی با استفاده از این پلتفرم، نماهایی از زندگی روزمره‌شان را با دیگران به اشتراک می‌گذارند و دیدگاه‌های خود را در حوزه‌های گوناگون همچون سیاست، مذهب و فرهنگ در این بستر بیان می‌کنند. همان‌گونه که از جدول بالا مشخص است، دختران نوجوان دهه هشتادی اقبال چندانی به پیام‌رسان‌های بومی ندارند و حتی فیلترینگ نیز نتوانست در جذب کاربر به پیام‌رسان‌های داخلی کمک شایانی بکند.

۲-۳. آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی بر دختران نوجوان

شبکه‌های اجتماعی مجازی همانند انواع دیگر فناوری‌های جدید اطلاعاتی - ارتباطی، اگرچه امتیازات و فرصت‌های زیادی برای کاربران خویش ایجاد کرده‌اند، در مقابل، آسیب‌ها و چالش‌هایی را نیز پدید آورده‌اند. با ورود شبکه‌های اجتماعی مجازی به خانواده‌های ایرانی، ابعاد گوناگون این نهاد اجتماعی همچون ارزش‌های خانوادگی، روابط خانوادگی و کارکردهای آن تحت تأثیر این فضا با مسائل و مشکلات جدید روبه‌رو شد. از آنجا که جوانان و نوجوانان اصلی‌ترین کاربران شبکه‌های اجتماعی مجازی در خانواده هستند، حوزه روابط والد - فرزندی دچار بیشترین چالش شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، حضور دختران نوجوان در فضای مجازی افزون بر آسیب‌های خانوادگی، آسیب‌های فردی نیز برای نوجوانان به دنبال دارد که خود این آسیب‌ها، بستری برای به چالش کشاندن اقتدار والدین می‌شود و رابطه دختران نوجوان و والدینشان را دچار تعارض‌هایی می‌کند.

۱-۲-۳. آسیب‌های خانوادگی

رابطه میان والد - فرزند یکی از مهم‌ترین انواع روابط بین فردی است که اثرات گسترده‌ای بر فرد و جامعه دارد. در صورت وجود یک رابطه مطلوب بین والد - فرزند، فرد برای زندگی در جامعه آمادگی می‌یابد، قواعد و هنجارهای زندگی اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی را می‌آموزد، هویت و شخصیت پیدا می‌کند و به یک شهروند خوب تبدیل می‌شود. حال اگر این ارتباط، ارتباط مطلوبی نباشد، فرد، خانواده و جامعه هر سه آسیب می‌بینند. با استفاده روزافزون دختران نوجوان از شبکه‌های اجتماعی مجازی، بسترهای جدید تنش و تعارض میان آنها و والدین شکل می‌گیرد و این رابطه را دچار آسیب‌هایی می‌کند. جدول ۳. آسیب‌های خانوادگی شبکه‌های اجتماعی مجازی بر دختران نوجوان

مضمین	مقوله‌های فرعی	مقوله اصلی
	آسیب‌های ناظر به اقتدار	آسیب‌های خانوادگی
تعارض بین والدین - فرزند؛ به چالش کشیدن اقتدار والدین؛ ایجاد شکاف میان والدین و فرزند؛ نقض‌کننده حرمت میان والدین و فرزند	آسیب‌های ناظر به صمیمیت	
کاهش صمیمیت میان والدین - فرزند؛ کاهش ارزش‌های خانوادگی؛ پنهان‌کاری فرزند از والدین		

اقتدار و صمیمیت دو مؤلفه مهم برای ارتباط مؤثر و مطلوب والدین با فرزندان است. اعمال قدرت از سوی والدین در تعامل با فرزندان از لوازم مهم تربیتی است که نقشی ویژه در شکل‌گیری شخصیت نوجوان دارد. از نظر برخی از جامعه‌شناسان نباید قدرت و عشق را دو ویژگی متضاد قلمداد کرد؛ چراکه اعمال قدرت می‌تواند نشانه علاقه شدید یک فرد باشد و نشان دهد به شدت نگران فردی دیگر است؛ بنابراین شدیداً مراقب و مواظب اوست (مک کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰، ص ۵۶۱).

اغلب پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه روابط والد-فرزندی و سبک‌های فرزندپروری، سالم‌ترین شکل روابط خانوادگی و بهترین سبک فرزندپروری را سبک فرزندپروری مقتدرانه می‌دانند (ر.ک: خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۵/سلطانی و همکاران، ۱۳۹۳/ Baumrind, D, & Boray, 1991/ Kuhar, 2010). در این سبک باید دو عنصر مهم صمیمیت و اقتدار، همزمان بر روابط والد-فرزندی حاکم باشند. در واقع اقتدار والدین بخش ناگزیر و ضروری در روابط والدین و نوجوان است؛ چراکه هر شخصی به عنوان یک مقام مسئول باید برای عملی کردن مسئولیت‌ها و وظایف خویش، دارای اقتدار باشد. بر اساس اظهارات دختران نوجوان، یکی از مهم‌ترین آسیب‌های حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی، به چالش کشیدن و شکستن اقتدار والدین است. مخالفت با گفته‌های پدر یا مادر یا هر دو آنها، مقاومت در برابر خواسته‌های آنها و بی‌احترامی به پدر و مادر از مواردی است که دختران نوجوان به عنوان چالش اقتدار در سخنان خویش مطرح کردند. کد ۱۳ از تجربه خویش در این موضوع می‌گوید: «تمام دعوای من و مامانم سر همین گوشیه؛ مامانم غر می‌زنه که همه‌اش سرت تو گوشیه. می‌گم خب دلم می‌خواد؛ الآن وقتم آزاده، دلم می‌خواد این کار رو بکنم. پیش اومده عصبانی هم بشم و شدیداً مقاومت کنم. مامانم می‌گه من قبلاً بهت یک کاری می‌گفتم، همون دفعه اول انجام می‌دادی؛ ولی الآن نه».

حضور مداوم در شبکه‌های اجتماعی مجازی و تأثیر تدریجی بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای نوجوان سبب شده شکاف میان والدین و فرزند در موضوعات گوناگون افزایش یابد. کد ۹ همین تجربه را دارد: «من از وقتی اومدم تو فضای مجازی، اصلاً با پدر و مادرم رفتارم تغییر کرده. می‌ری توی این فضا، می‌بینی چه خونه‌هایی! با چه ماشین‌هایی عکس می‌گیرن! ما هم در حد خودمون داریم؛ ولی پدرم تجمل‌گرا نیست. من وقتی اینها رو می‌بینم، می‌رم و از پدرم می‌خوام، پدرم داره؛ ولی چون بر خلاف اعتقادات خودش،

نمی‌خواود انجام بده و برای من هم انجام نمی‌ده؛ با هم دعوا می‌کنیم». یکی از اتفاقات روی داده در این فضا، به چالش کشیدن قداست و حرمت مقام پدر و مادر است. کد ۴ چنین نگاهی دارد: «هر وقت در مورد پدر و مادر با بقیه حرف می‌زنیم، یه جورى مقدس‌انگاری شده که اصلاً نمی‌شه انتقاد کرد ازشون؛ ولی تو فضای مجازی این جورى نیست. فضای مجازی اگه نبود، من اگه حس بدی نسبت به پدر و مادرم داشتم، حس گناه داشتم؛ چون جامعه اون قدر تلقین کرده که پدر و مادر فلان‌اند، بهمان‌اند؛ ولی خب فضای مجازی باعث شده حرفی برای گفتن داشته باشم».

در بحث اقتدار بر مبنای یافته‌های این پژوهش، بیشتر نوجوانان اقتداری را که کنترل‌گر و بر مبنای سلسله‌مراتب باشد، رد می‌کنند و معتقدند پدر و مادر باید از فرزندان حمایت مشورتی و عاطفی کنند و نظارت بدون دخالت داشته باشند. کد ۲۱ در مورد اقتدار پدر و مادر می‌گوید: «یه طوری باشه که بچه‌ها اذیت نشند؛ دیگه خیلی رو مخشون نرند. مثلاً در حدی نظارت داشته باشند که دیگه خیلی از اون حیطه‌ای که می‌خواند، خارج نشند؛ ولی یه جورى که بچه‌ها آزادی داشته باشند. این طوری نباشه که فقط خانواده‌ها کنترل کنند و بتونند خودشون تصمیم بگیرند».

یکی از اصلی‌ترین پایه‌های ارتباط میان والدین و فرزند، صمیمیت بین آنهاست و می‌توان گفت خانواده با وجود روابط صمیمانه بین اعضایش است که معنا می‌یابد. بر اساس گفته دختران نوجوان، با حضور شبکه‌های اجتماعی مجازی در خانواده، کاهش صمیمیت و ارتباطات عاطفی میان فرزند و والدین و کاهش ارزش‌های خانوادگی را مشاهده می‌کنیم. منظور از ارزش‌های خانوادگی، اهمیت قائل شدن برای رفتارهایی همچون همراهی خانواده سر سفره و وعده‌های غذایی، دوست داشتن تفریح دسته‌جمعی با اعضای خانواده، مهمانی رفتن به همراه خانواده و توجه به اتفاقات روی داده در خانواده و واکنش نشان دادن به آنهاست.

این کاهش صمیمیت با دو مؤلفه کاهش زمان خانوادگی و ورود به محیط صمیمی و ایجاد روابط احساسی در فضای مجازی اتفاق می‌افتد. دختران نوجوان با حضور در فضای مجازی، به جای زمان‌هایی که باید در یک تعامل رودررو در کنار پدر و مادر و اعضای خانواده خویش سپری کنند، ساعات زیادی را در شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانند.

بر اساس برخی پژوهش‌های انجام‌شده (ر.ک: عباسی شوازی و عباسی آتشگاه، ۱۳۹۷/ سعیدی پور، ۱۳۹۲/ فرهمند، ۱۳۸۷/ Nic et al, 2002 / Sanders et al, 2000)، حضور در

اینترنت و فضای مجازی بر زمانی که افراد با اعضای خانواده‌شان سپری می‌کنند، میزان روابط خانوادگی و انسجام و همبستگی آنها بیشتر شده و صمیمیت و روابط عاطفی میان اعضای خانواده افزایش پیدا می‌کند. حضور دختران نوجوان در شبکه‌های اجتماعی مجازی که همراه با ارتباطات صمیمانه، تبادل احساسات، حمایت‌های عاطفی و مشورتی و فضایی در دسترس برای بیان مسائل و ناراحتی‌های آنهاست، با صمیمیت و احساس نزدیکی آنها با والدینشان ارتباط دارد. کد ۶ در مورد تأثیر حضور در شبکه‌های اجتماعی می‌گوید: «از خانواده‌ام خیلی دور شدم؛ من اصلاً بابام رو نمی‌دیدم. شاید فقط موقع ناهار خوردن که من از مدرسه می‌رسیدم، بابام رو می‌دیدم. فقط در حد یک ربع، نیم ساعت که ناهار بود. تا اینترنت قطع می‌شد، من بابام رو می‌دیدم، بابام می‌گفت دوباره اینترنت قطع شده؟!».

میزان زمان حضور در شبکه‌های اجتماعی، درگیری با عشق‌های مجازی و روابط پنهانی و نوع و محتوای پیج‌هایی که دختران نوجوان دنبال می‌کنند، عاملی برای کشمکش‌ها و چالش‌های جدی میان فرزند و والدین و برخی موارد پنهان‌کاری فرزند از والدین می‌شود. کد ۱۹ این‌گونه تجربه خویش را بازگو می‌کند: «یادمه زمانی که خیلی تو اینستا بودم، مامانم می‌گفت می‌رم گوشیت رو می‌ذارم لای دو تا سنگ، خرد می‌کنم. من هم از اون به بعد قایمکی می‌رفتم و گوشیم رو قایم می‌کردم». این نوع پنهان‌کاری‌ها افزون بر آنکه در نظارت و کنترل والدین اختلال ایجاد می‌کند، در درازمدت باعث فاصله‌گیری و کاهش سطح ارتباط بین فرزند و والدین می‌شود.

در بحث صمیمیت و روابط عاطفی میان والدین و نوجوان، امروزه با وجود رقیبانی همچون شبکه‌های اجتماعی مجازی نمی‌توان مانند گذشته فقط رابطه‌ی خونی و ژنتیکی بین فرزند و والدین را برای صمیمیت میان آنها کافی دانست؛ بلکه همان‌گونه که گیدنز در بحث رابطه‌ی ناب مطرح کرد، برای به‌دست آمدن صمیمیت لازم، نیاز است والدین برای آن کار کنند و وقت بگذارند.

۲-۳. آسیب‌های فردی

استفاده‌ی همیشگی دختران نوجوان از شبکه‌های اجتماعی مجازی افزون بر آسیب‌های خانوادگی، آسیب‌های فردی نیز برای آنها دارد که زمینه را برای چالش بیشتر نوجوان با والدین فراهم می‌کند. بر اساس اظهارات دختران نوجوان، با وجود آنکه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید از لوازم ضروری برای زندگی در این عصر است، جنبه‌ها و

پیامدهای منفی نیز برای آنها دارد. در مجموع نمونه‌های این پژوهش دو نوع آسیب فردی برای حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی مطرح کرده‌اند که عبارت از «آسیب ناظر به رفتار» و «آسیب ناظر به احساس و نگرش» است.

جدول ۴. آسیب‌های فردی شبکه‌های اجتماعی مجازی بر دختران

مضمین	مقوله‌های فرعی	مقوله اصلی
عصبی شدن و پرخاشگری؛ تغییر لحن گفتار؛ فحاشی کردن؛ اتلاف وقت؛ دوستی‌های نافرجام دختر و پسر؛ آشنایی زودهنگام با مسائل جنسی؛ بازنمایی هیجان‌انگیز از رفتارهای نابهنجار	ناظر به رفتار	آسیب‌های فردی
وابستگی شدید؛ حسرت و احساس کمبود؛ افزایش ترس و نگرانی؛ کاهش تعلقات ملی؛ کاهش تعلقات دینی؛ تأثیر تدریجی بر ارزش‌ها	ناظر به احساس و نگرش	

دختران نوجوان حاضر در این پژوهش اذعان داشتند ورود این فناوری جدید به زندگی شخصی و خانوادگی آنها و حضور در این شبکه‌ها در ساعت‌های پیاپی باعث بروز برخی از رفتارهای نابهنجار و آسیب‌زا از سوی آنها می‌شود. عصبی شدن و پرخاشگری، تغییر لحن گفتار، فحاشی کردن، اتلاف وقت، دوستی‌های نافرجام دختر و پسر، آشنایی زودهنگام با مسائل جنسی و بازنمایی هیجان‌انگیز از رفتارهای نابهنجار از جمله مواردی است که در گفته‌های خویش مطرح کرده‌اند.

بروز رفتارهای پرخاشگرانه و عصبی در مواجهه با اعضای خانواده از مواردی است که در صحبت‌های بیشتر دختران نوجوان به آن اذعان شد. کد ۱۸ چنین تجربه‌ای دارد: «مامانم که سر گوشی بهم گیر می‌ده، عصبانی می‌شم، داد می‌زنم، می‌رم با داداشم دعوا می‌کنم. این نقطه ضعفشونه؛ می‌گند نمی‌خواد بیایی بیرون؛ برو تو همون اتاق پای گوشی‌ات».

دوست‌یابی و درگیر شدن با عشق‌های مجازی و ارتباطات پنهانی از والدین که فرجام خوشایندی ندارد، یکی دیگر از رفتارهای آسیب‌زای این فضا است که نوجوانان ذکر کرده‌اند. شکل‌گیری ارتباط عاطفی، ابراز احساسات میان دختر و پسر و دل‌بستگی‌هایی که در فضای مجازی به وجود می‌آید، با این ویژگی که در اغلب موارد والدین اطلاعی از آن ندارند و در نتیجه کنترل و نظارتی نیز بر آن نیست، پیامدهای نامطلوبی برای دختران نوجوان دارد. عصبانیت و پرخاشگری، خشم و اضطراب و افسردگی از مواردی است که

ذکر کرده‌اند. کد ۲۰ در مورد ارتباطات پنهانی خود می‌گوید: «من فالوئر هام اکثراً پسر هستند؛ پیام می‌دند، من نمی‌دارم مامان و بابام اینها رو ببینند، پیام‌های خوبی نیستند. مخفی شون می‌کنم». دوستی‌های پنهانی دختران نوجوان در شبکه‌های اجتماعی یکی از دلایل اصلی کشمکش‌های همیشگی آنها با والدینشان است. کد ۶ تجربه خود را چنین بیان می‌کند: «مامان و بابام یکی - دو بار فهمیدند من با یکی ارتباط دارم، بابام مودم رو قطع می‌کرد، گوشیم رو ازم می‌گرفت. مامانم می‌اومد گوشی رو بگیره، من فرار می‌کردم می‌رفتم دستشویی، چیزها رو پاک می‌کردم. وقتی اعتبار وای‌فای تموم می‌شد، من تا چند روز غذا نمی‌خوردم، گریه می‌کردم و می‌گفتم هر جور شده، برای من اینترنت بگیرید».

فحاشی کردن، به کاربردن الفاظ رکیک و تغییر لحن گفتار از رفتارهای ناهنجار و آسیب‌زایی است که دختران نوجوان اذعان داشتند با حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی برای آنها رخ می‌دهد. فحاشی کردن از مصادیق خشونت کلامی و انحراف از اصول اولیه تعاملات اجتماعی - رفتار مؤدبانه و نزاکت - است. کد ۱ در این باره می‌گوید: «تو جمع حرف زدند عوض شده؛ قبلاً خیلی سنگین تر حرف می‌زدم؛ الآن خیلی شل و ول، همه‌اش آویزون. خیلی فحش یاد گرفتم؛ مثلاً تو بازی می‌افته که برو به فلانی فحش بده، می‌رم تو خصوصی‌اش و فحش می‌دم».

بازنمایی هیجان‌انگیز از رفتارهای پرخطر و ناهنجار نیز از جمله مواردی است که در شبکه‌های اجتماعی مجازی رخ می‌دهد و نوجوانان را به انجام چنین رفتارهایی ترغیب می‌کند. کد ۱۸ در این رابطه می‌گوید: «خود من تحت تأثیر قرار گرفتم که مواد مخدر عجب چیز باحالیه، به خدا راست می‌گم؛ مخصوصاً این مواد جدید که اومده و می‌گند تأثیرات سوء نداره. من الآن همه رو بلدم. یعنی یه آدم خیلی باحال می‌آد گل می‌کشه، اهل علفه».

آسیب‌های ناظر به احساس و نگرش، نوع دیگری از آسیب‌های حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی است که از گفته‌های مشارکت‌کنندگان در این پژوهش به دست می‌آید. وابستگی شدید، حسرت و احساس کمبود، افزایش ترس و نگرانی، کاهش تعلقات ملی، کاهش تعلقات دینی و تأثیر تدریجی بر ارزش‌ها از مواردی است که دختران نوجوان مطرح کردند.

یکی از آسیب‌های جدی این فضا، اعتیاد و وابستگی شدید به این فضا است؛ به گونه‌ای که مدت‌زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بیش از حد متعارف است و نوجوان را

با مشکلات جسمی و روانی درگیر می‌کند. کد ۶ که چنین تجربه‌ای داشته، در مورد آن توضیح می‌دهد: «من در ایام غیردرسی یه‌سره، دائم تو فضای مجازی بودم، نهار و بقیه چیزها در حد ده دقیقه؛ شاید در طول روز دو ساعت درگیر بقیه چیزها بودم. شب‌ها تا ساعت سه و چهار، شاید هم بیشتر می‌موندم پای گوشی و اینکه بعد از ظهر شاید اصلاً نمی‌خوابیدم. انگار حالت اعتیاد بهم دست داده بود؛ دیگه نمی‌تونستم از اون فضا جدا بشم. گریه می‌کردم، غذا نمی‌خوردم. وقتی که اعتبار اینترنت تموم می‌شد، می‌گفتم باید برای من هر جور شده، اینترنت بگیرید».

از جمله آسیب‌های رایج در این فضا، حسرت خوردن و احساس کمبود داشتن و افسردگی است که ناشی از مشاهده زندگی‌های لاکچری و لوکس، اندام زیبا و تجربه‌های هیجان‌انگیزی است که در شبکه‌های اجتماعی مجازی بازنمایی می‌شود. کد ۱۸ در مورد این موضوع می‌گوید: «اعتماد به نفسم از بین رفته؛ وقتی یه خانمی رو می‌بینم که از ثروتمندترین دخترهای زیر ۲۰ سال دنیاست و فقط از هیکلش داره استفاده می‌کنه، بهترین لباس رو می‌پوشه، بهترین مسافرت‌ها رو می‌ره، بهترین زندگی رو داره، خب این واقعاً خیلی رو من تأثیر می‌ذاره که چرا من فلان هیکل رو ندارم».

گفت و گو، تضارب آرا و بیان دیدگاه‌های گوناگون در موضوعات متنوع از ویژگی‌های ذاتی شبکه‌های اجتماعی مجازی است. این موقعیت به تدریج بر ارزش‌ها و نگرش‌های دختران نوجوان تأثیر می‌گذارد و زمینه را برای به چالش کشیدن تعلقات ملی و دینی فراهم می‌کند. کد ۴ می‌گوید: «راستش من وقتی به سن تکلیف رسیدم، خیلی اهل نماز و رعایت حجاب و اینها بودم؛ اما الآن صددرصد مخالف حجابم و عکس‌های آرایش‌کرده بی حجابم رو می‌ذارم تو پیجم. از ایران هم خوشم نمی‌آد؛ دنبال اینم که برم کانادا؛ چون تو ایران همه چیز اجباریه. من با یه سری اعمال اسلام کاملاً مخالفم؛ اینکه کلی پول بدی، بری دور یه خونه بچرخ. خدا رو می‌تونی تو قلبت احساس کنی. من سرچ کردم، به اینها رسیدم؛ بعضی پیج‌ها مثل پیج مسیح علی‌نژاد. واقعاً بخوام راستش رو بگم، نصفش هم اون بوده».

در مجموع به نظر می‌رسد حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی به تدریج بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای دختران نوجوان اثر می‌گذارد و سبب تغییرات رفتاری، اعتقادی و فکری در آنها می‌شود.

نتیجه‌گیری

امروزه با ورود فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی به عرصه جهانی، شاهد تغییرات گسترده‌ای در مناسبات و ارتباطات انسانی هستیم. هم‌زمان با ورود شبکه‌های اجتماعی مجازی به نهاد خانواده ایرانی، دختران نوجوان به دلیل اقتضای روحیه پذیرا تر بودن و گشودگی در برابر تغییرات، به استقبال آن رفتند و از کاربران همیشگی این شبکه‌ها شدند. پژوهش پیش رو با رویکرد کیفی به بررسی مسئله حضور دختران نوجوان شهر قم در شبکه‌های اجتماعی مجازی با تأکید بر روابط والد - فرزندی پرداخته است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیام‌رسان تلگرام و شبکه اجتماعی اینستاگرام در میان انواع شبکه‌های اجتماعی مجازی، با اقبال بیشتری از سوی دختران نوجوان روبه‌رو شده و نسبت به موارد دیگر ترجیح داده شده است.

بر اساس اظهارات دختران نوجوان، دو سنخ آسیب می‌توان برای حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی در نظر گرفت: «آسیب‌های خانوادگی» و «آسیب‌های فردی». مهم‌ترین تغییر روی داده در خانواده‌های ایرانی با ورود شبکه‌های اجتماعی مجازی، تغییر در مناسبات و روابط والد - فرزندی است که با چالش‌های پیچیده و عمیقی روبه‌رو شده است. الگوی مطلوب روابط والد - فرزندی، الگویی است که در آن رابطه والد - فرزند بر مبنای صمیمیت همراه با اقتدار باشد. حضور دختران نوجوان در شبکه‌های اجتماعی مجازی، مشکلاتی را برای هر دوی این مؤلفه‌ها ایجاد کرده و سبب کاهش صمیمیت میان والدین و نوجوان و به چالش کشیدن اقتدار آنها شده است. در بعد فردی نیز حضور دختران نوجوان در شبکه‌های اجتماعی مجازی همراه با پیامدهای منفی همچون مشکلات رفتاری، کاهش تعلقات ملی و دینی، وابستگی شدید، اتلاف وقت و احساس کمبود و افسردگی بوده است. بنا بر آنچه گفته شد، شبکه‌های اجتماعی مجازی سبب تغییرات تدریجی در رفتار و نگرش‌های دختران نوجوان شده و مناسبات آنها را با والدینشان به چالش می‌کشد.

منابع و مأخذ

۱. ابوالقاسمی، محمود، عباسعلی نوروزی و محسن طالب‌زاده نوبریان؛ «تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده: از منظر هویت دینی و ملی»؛ *مطالعات ملی*، دوره ۴، ش ۳، ۱۳۹۲، ص ۲۴-۳.
۲. آرون، ریمون؛ *مراحل اساسی سیراندیشه در جامعه‌شناسی*؛ ترجمه باقر پرهام؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
۳. البرزی، سیدرامین؛ «مفهوم اقتدار در آرای رالف دارندورف»؛ *فصلنامه سیاست*، س ۳، ش ۱۲، ۱۳۹۵، ص ۷۹-۹۳.
۴. بشیریه، حسین؛ *جامعه‌شناسی سیاسی*؛ تهران: نشر نی، ۱۳۹۰.
۵. تنهایی، حسین ابوالحسن؛ *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*؛ تهران: بهمن برنا، ۱۳۸۹.
۶. خلیلی آذر، هایده؛ «شناخت ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی و تأثیرات آنها بر روابط بین فردی نوجوانان»؛ *پژوهش‌های ارتباطی*، س ۲۰، ش ۳ (پیاپی ۷۵)، ۱۳۹۲، ص ۱۵۵-۱۸۲.
۷. خواجه‌نوری، بیژن و همکاران، «بررسی رابطه هویت اجتماعی و سبک فرزندپروری مادران شهر ایلام»؛ *جامعه‌شناسی کاربردی*، س ۲۷، ش ۳، ۱۳۹۵، ص ۱-۱۴.
۸. خواجه‌نویان، دانیس و همکاران؛ «الگوی رفتاری نسل بومیان دیجیتال ایرانی در اینستاگرام: داده‌کاوی در کلان‌داده‌های شبکه اجتماعی»؛ *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، س ۲۷، ش ۱، ۱۳۹۹، ص ۹-۳۲.
۹. روحانی، علی، سمیه هاشمی و مسعود انبارلو؛ «واکاوی رابطه استفاده از اینترنت با نظام ارزش‌های جوانان و نوجوانان (مورد مطالعه: شهر شیراز)»؛ *فصلنامه توسعه اجتماعی*، دوره ۱۲، ش ۴، ۱۳۹۷، ص ۱۸۷-۲۲۰.
۱۰. ریتزر، جورج؛ *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*؛ ترجمه محسن ثلاثی؛ تهران: علمی، ۱۳۸۶.
۱۱. سعدی‌پور، اسماعیل؛ «آثار فناوری‌های نوین بر شبکه‌های اجتماعی با تأکید بر نوجوانان»؛ *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره دوم، ش ۲، ۱۳۹۲، ص ۳۱۵-۳۳۸.

۱۲. سلطانی، عبدالله و همکاران، «مقایسه دانش آموزان پسر سال اول دبیرستانی دارای سبک‌های پرورش مختلف از لحاظ سازگاری هیجانی، اجتماعی و تحصیلی در شهر اهواز»؛ زن و مطالعات خانواده، س ۶، ش ۲۳، ۱۳۹۳، ص ۷۸-۵۹.
۱۳. سنت، ریچارد؛ اقتدار؛ ترجمه باقر پرهام؛ تهران؛ نشر شیرازه، ۱۳۷۸.
۱۴. صادقی فسایی، سهیلا و ایمان عرفان‌منش؛ «مسئله موازنه قدرت نوجوانان در خانه با توجه به ICTS: سنخ‌های جدید قدرت و تقویت کنشگری»؛ پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، س ۲، ش ۷، بهار ۱۳۹۵، ص ۱-۳۷.
۱۵. عابدی اردکانی، محمد، روح‌الله نادری بنی و محسن شفیعی سیف‌آبادی؛ «بررسی تطبیقی آرای ماکس وبر و دیوید بیتهم درباره مشروعیت»؛ فصلنامه پژوهش سیاست، س ۱۰، ش ۲۴، ۱۳۸۷، ص ۱۵۱-۱۷۸.
۱۶. عباسی شوازی، محمدتقی و پروین عباسی آتشگاه؛ «اینترنت، خانواده شبکه‌ای و زمان خانواده: چگونه فناوری‌های نوین ارتباطی روابط خانوادگی را متأثر می‌کنند؟»؛ فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، س ۴، ش ۱۴، ۱۳۹۷، ص ۳۳-۶۵.
۱۷. فرهنگ، مریم، «دختران و کاربرد اینترنت»؛ مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۱، ش ۴۱، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵-۱۷۰.
۱۸. فلیک، اووه؛ درآمدی بر تحقیق کیفی؛ ترجمه هادی جلیلی؛ تهران: نشر نی، ۱۳۹۱
۱۹. فولادیان، مجید و حمیدرضا جلالی‌پور؛ «مقایسه سلطه فرهنگدانه و سلطه کاریزماتیک با اتکا بر آرای وبر: ایضاح یک خلط مفهومی»؛ فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۸، ش ۳، ۱۳۹۵، ص ۵۳-۸۸.
۲۰. کاستلز، مانوئل؛ عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ: ظهور جامعه شبکه‌ای؛ ج ۱؛ ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز؛ تهران: طرح نو، ۱۳۸۲.
۲۱. کرمانی، حسین و افسانه مظفری؛ «تلگرام و دیگر هیچ: تحلیل و تبیین عوامل مؤثر بر استفاده از تلگرام به عنوان پیام‌رسان مرجح در ایران»؛ مطالعات رسانه‌ای، س ۱۳، ش ۱ (پیاپی ۴۰)، ۱۳۹۷، ص ۷-۲۰.
۲۲. کوثری، مسعود؛ «نسل‌های ایکس، وی و زد و سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران»؛ راهبرد فرهنگ، ش ۳، پاییز ۱۳۸۷، ص ۶۵-۸۵.

۲۳. گیدنز، آنتونی؛ *جامعه‌شناسی؛ ترجمه حسن چاوشیان؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۷.*
۲۴. گیدنز، آنتونی؛ *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید؛ ترجمه ناصر موفقیان؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.*
۲۵. گیدنز، آنتونی؛ *پیامدهای مدرنیت؛ ترجمه محسن ثلاثی؛ تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.*
۲۶. لیبی، محمدمهدی؛ *خانواده در قرن بیست و یکم از نگاه جامعه‌شناسان ایرانی و غربی؛ تهران: نشر علم، ۱۳۹۳.*
۲۷. لطفی‌زاده، عباس، محمدجواد زاهدی و فاطمه گلابی؛ «چرخش مضمونی در تبیین روابط زن و مرد در خانواده؛ ظهور جامعه‌شناسی صمیمیت»؛ *زن در فرهنگ و هنر، دوره ۱۱، ش ۱، ۱۳۹۸، ص ۱۰۹-۱۳۱.*
۲۸. محمدپور، سارا و محمدرضا آزادی‌نژاد؛ «بررسی تأثیر رسانه‌های الکترونیکی (اینترنت) در ایجاد شکاف بین فرزندان و والدین تهرانی»؛ *مطالعات رسانه‌ای، س ۸، ش ۲۲، ۱۳۹۲، ص ۱۱۱-۱۲۲.*
۲۹. محمدپور، احمد؛ *صدروش: روش تحقیق کیفی؛ ج ۱ و ۲؛ تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، ۱۳۹۲.*
۳۰. مک کارتی، جین رینز و روزالیند ادواردز؛ *مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده؛ ترجمه محمدمهدی لیبی؛ تهران: نشر علم، ۱۳۹۰.*
۳۱. نظری، علی محمد، مسعود اسدی و علی شاهینی؛ «تأثیر خانواده‌درمانی کوتاه‌مدت ستیر بر صمیمیت زوج‌ها»؛ *زن و مطالعات خانواده، س ۲، ش ۵، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹-۱۲۹.*
۳۲. نوانبخش، مهرداد، فاطمه هاشم‌نژاد و وحید زادشم‌پور؛ «بررسی آثار اینترنت و موبایل در تغییر هویت جوانان ۱۵-۲۹ سال استان مازندران»؛ *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، دوره ۱، ش ۱، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵-۱۷۰.*
۳۳. هنسون، جریس و اوما نارولا؛ *فناوری جدید ارتباطی در کشورهای در حال توسعه؛ ترجمه داوود حیدری؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۱.*
34. Baumrind, D. & Boray; "Parenting styles and adolescent development"; In J. Brooks- Gunn, R. M. Lerner, & A. C. Petersen (Eds) *The encyclopedia On adolescence*, (PP.746- 758). New York: Garland Publishing, 1991.
35. Buckingham. David; *Youth, Identity and Digital Media*; Cambridge: MIT, 2008.
36. Gabb. Jaequi; *Researching Intimacy in Families*; New York: Palgrave Mucmillan, 2008.

37. Giddens, Anthony; *The transformation of intimacy: sexuality, love, and eroticism in modern societies*; Cambridge, UK: Polity Press, 1992.
38. Kuhar, M; "Parenting Authority Style in Adolescent Parenting Relationships"; *Diskurs Kindheits and Jugend Forschang Heft*, 2010, v.3, pp.321- 336.
39. Mesch, Gustavo; "Family Relations and the Internet: Exploring a Family Boundaries Approach"; *Journal of Family Communication*, 2006, 6(2), pp.119-138.
40. Nic, N.H., D. S. Hillygus & L. Erbring; "Internet use, interpersonal relations and sociability: a time diary study"; In B. Wellman and c. Haythornthwaite *Internet in Evryday Life*. Oxford: Blackwell, 2002.
41. Park, N., K. F. Kee & S.Valenzuela; "Being Immersed in Social Nwtworking Environment: Facebook Groups, uses and Gratifications, and Social Outcomws"; *Cyberpsychology & Behavior*, 2009, v.12(6), pp.729-733.
42. Patterson, Miles. L; "Intimacy, social control, and Nonverbal Involve ment: A Functional Approach" In: *communication, Intimacy, and clise Relationships*, Edited by Vaierian J. Derlega, NewYork: Academicpress, 1984, pp.105-130.
43. Prensky, M; "Digital natives, digital immigants"; *On the Horizen*, 2001, v. 9, pp.1-6.
44. Sanders, C.E., T. M. Field, D. Miguel, & M. Kaplan; "The relationship of internet use to depression and social isolation among adolescents"; *Adolescence*, 2000, v.35, pp.237- 242.

۴۵. خبرگزاری ایلنا؛ دسترسی در:

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-766124>.